

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۹۵، اسفند ۱۴۰۲

آزادی زن در گرو آزادی جامعه است!

توضیح "پیام فدایی": آنچه در زیر می‌آید متن صحبت‌های رفیق خورشید در جلسه کلاب هاوس مورخ یکشنبه ۱۰ مارس ۲۰۲۴ می‌باشد که از طرف چریکهای فدایی خلق ایران در اتاق بذرهاي ماندگار به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن، برگزار شد.

با درود و گرامیداشت ۸ مارس، من سعی می‌کنم که خیلی سریع صحبت کنم چون می‌دونم که وقت محدوده امیدوارم فرصت باشه که همه صحبت هام رو تمام کنم.

من می‌خوام در این فرصت در مورد اهمیت نقد شعار زن زندگی آزادی چند دقیقه‌ای صحبت کنم هر چند که خب بسیاری از موارد رو سخنران عزیز بهشون اشاره کرد. تعبیر غیرمنصفانه و بعضا مغرضانه‌ای که برخی از افراد به این نقد ما در مورد این شعار و اینکه درباره مساله زنان دیدگاهی نداریم و یا اصرار داریم که زنان در جامعه ایران مشکلی ندارند و از این صحبت‌ها حتما شنیده‌اید که هیچ انطباقی با واقعیت ندارد و بیانگر موضع ما نمی‌باشند. ما اگر در نارسائی این شعار صحبت می‌کنیم و به طور مشخص شعار زن زندگی آزادی رو نقد می‌کنیم اتفاقا با یک دیدگاه طبقاتی به این موضوع می‌پردازیم.

ما اگه این سوال رو پیش روی خودمون قرار بدیم که آیا با برداشتن حجاب اجباری و نگاه کلی به صرفا مشکلات زنان، آیا مساله ستم طبقاتی، مشکلات معیشتی و فقر و فساد و بیکاری و ... زنان در ایران حل می‌شه؟ آیا اصلا مسئله حجاب که اختیاری بودنش حق مسلم همه زنان است، تضاد اصلی جامعه ماست؟ بازم تاکید می‌کنم، خواست پوشش اختیاری که حق مسلم زنان است و من به عنوان یک زن تمام فد از این حق دفاع می‌کنم و با تاکید بر اینکه حق پوشش اختیاری اتفاقا معضلیه که زنان کارگر با نقض آن در محیط کار با اون روبرو هستن و ما می‌دونیم که چقدر این حجاب اجباری باعث شده که در یک جاهایی آسیب رسان باشه و چقدر برای زنان طبقه کارگر، زنان طبقه‌ای که من از اون دفاع می‌کنم مشکل به وجود میاره.

اگر ما صادقانه به این پرسش بپردازیم متوجه می‌شویم که با سردادن این شعار در حقیقت ما نیم دیگر جمعیت جامعه و اساسی‌ترین معضلات و گرفتاری‌هایی رو که در اون جامعه بحران زده وجود داره رو نمی‌بینیم و از اون چشم پوشی می‌کنیم. مساله‌ای که من با اون مواجه شدم و طبق این جمله معروف که آزادی زن در گرو آزادی جامعه است، من با کسانی روبرو شدم که تصور می‌کنند که بدون آزادی کل جامعه آزادی زن میسر است. من می‌خواهم اینجا این مساله رو روشن کنم با این دیدگاهی که در پیش روی خودمون قرار می‌دیم آیا با آزاد شدن زن در یک جامعه آنطور که ادعا می‌شود در جامعه بورژوازی، مساله فقر و فساد و بیکاری و گرانی و گرسنگی و نبود سرپناه و کارتن خوابی و همه این معضلات بسیار بزرگ اون جامعه برداشته می‌شه و از بین میره؟ نمونه مشخص اون این هست که در جوامع اروپایی به هر حال یک آزادی نسبی در اون جا وجود داره و بهتره بگم که با ایران اصلا قابل مقایسه نیست، اما مشخصا مثلا در همین برنامه های ۸ مارس چه در سال‌های گذشته و همین امسال که سه روز پیش برگزار شد، در خیلی از کشورها تاکید و مطالبه اصلی زنان در مورد نابرابری حقوق بود.

آیا در جوامع غربی هیچ مشکل اقتصادی و معیشتی وجود نداره؟ دارم صحبت خودم رو به اینجا می‌رسانم که تاکید کنم که ما با یک سیستم پلید به نام سیستم سرمایه‌داری مواجه هستیم که این ستم طبقاتی که در دنیا وجود داره و همینطور ستم مضاعفی که همواره در طول تاریخ بر زنان در همه جوامع اعمال شده و کلا تمام ستم‌هایی که بر همه توده‌ها روا می‌شه اینها همه ذاتی این سیستم هستند و

بیا بییم صادقانه به این موضوع نگاه کنیم که با به اصطلاح تاکید می‌کنم با به اصطلاح دادن برخی از حقوق بدیهی و طبیعی به زنها، تمام مشکلات و معضلات زنان و همچنین اون جامعه بر طرف می‌شه؟ یا نه؟ پس مساله اینه که ما بیا بییم با تحلیل مشخص از شرایط مشخص، تضاد اصلی رو در جامعه نشونه بگیریم و کندوکاو بکنیم که ریشه‌ی مساله اصلی و مشکل اصلی در جامعه ما چی هست؟ وقتی به این موضوع فکر بکنیم و اگر به همین جنبش انقلابی ۱۴۰۱ هم برگردیم و شعارهای این جنبش رو با این تاکید که شعارهایی رو که مردم در داخل ایران سر می‌دادن رو بررسی کنیم، این توضیح رو هم بدم که واقعا روند صعودی رادیکالیسم شعارهایی که در داخل ایران سر داده می‌شد رو به هیچ وجه با شعارهای تو خالی اکثریت ایرانی‌های خارج ایران که عاری از بار توصیفی شرایط مردم در داخل بود، مقایسه نمی‌کنم چون واقعا در دو خط متضاد پیش می‌رفتن. حالا با توجه به اون شعارها متوجه می‌شویم که در همه شعارها اشاره مستقیم به وخامت اوضاع اقتصاد و وضعیت وحشتناک معیشتی می‌شد، به فقر پیش رونده‌ای که مردم اون جامعه رو در خود اسیر کرده اشاره می‌شد، به وضعیت بیکاری اشاره می‌شد. خب همه این‌ها مسائل اقتصادی هستند یعنی مطالبه اصلی مردم تحت ستم ایران مطالبات اقتصادی‌ست. این دقیقا معنای همون سخن بنیادینی هست که می‌گه، اقتصاد زیر بنای جامعه است و

سیاست روبنایی است که بر اساس اون زیر بنا شکل می‌گیرد. بنابراین با درک این موضوع که واقعا مساله و مشکل جامعه ما رو نمی‌شه صرفا به مساله حجاب به عنوان مشکل اصلی اون جامعه تقلیل داد، با تاکید بر اینکه دوباره تکرار می‌کنم که مطالبه پوشش اختیاری حق مسلم تمام زنان است و اتفاقا همونطور که قبلا هم گفتم زنان کارگر بیشترین آسیب رو از این مساله حجاب اجباری می‌بینند، اما همه ما می‌دونیم و شاهد هستیم که مشکلات اقتصادی و تبعیض و گرانی‌های افسار گسیخته و در حالت کلی حمایت مستقیم سرمایه‌داری از هر شکلی از شکاف و فاصله طبقاتی که روز به روز بیشتر و بیشتر هم می‌شه مساله اصلی مبارزات توده‌های تحت ستم و مبارز ما هستش که برای بقا و زنده موندن در یک جنگ تمام عیار با سیستم فاسد و پوسیده سرمایه‌داری هستند و ما شاهد هستیم که چگونه توسط مدافعین این سیستم در حال سرکوب و فشار بیشتر هستند. اینجا یک نکته‌ای رو در پاسخ به صحبت شادی عزیز بدم که درسته که فمینیست‌ها هم برای تحقق حقوق زنان مبارزه کرده‌اند، اما تئوری رهایی زن که در گرو رهایی جامعه است در حقیقت با شکست سرمایه‌داری به سرانجام می‌رسه. این اساس مبارزه کمونیست هاست و نه فمینیست‌ها.

تقلیل مشکلات مردم به مساله حجاب کاری هست که اتفاقا همین سرمایه‌داری در جهت اون کوشش می‌کنه، به دلیل اینکه وقوع یک انقلاب بزرگ مردمی در اون جامعه و شناخت و آگاهی مردم و مبارزه در جهت از بین بردن ریشه تمام این مشکلات یعنی نظام سرمایه‌داری، منجر به نابودی اون سیستم خواهد شد و این همون چیزی ست که از اون می‌ترسند.

اگه بخوام مثال در این باره بزنم اینه که همه احتمالا به خاطر دارید زنان و دختران جوان که علاقمند بودند که برن ورزشگاه و مسابقات فوتبال رو از نزدیک دنبال کنند، حتی به خاطر دارم که یک دختر جوان هم در این مورد کشته شد، امروز این موضوع نه کامل بلکه تا حدی حل شده و برخی از زنان و دختران می‌توانند به ورزشگاه برن و مسابقات رو دنبال کنند. اما سوال اینجاست که آیا امروز همه مشکلات جامعه ما حل شد؟ الان هیچ دلیل دیگری برای مبارزه برای برابری زن و مرد نیست؟

واقعیت اینه که ما به عنوان کسانی که برای برابری کامل زن و مرد مبارزه می‌کنیم مثل سلطنت طلب‌ها نیستیم که با سر دادن اون شعارهای هجو و جنسیتی که فریاد می‌زدند و در ادامه شعار زن زندگی آزادی رو هم سر می‌دادن باشیم.

ما می‌دونیم که این شعار بار طبقاتی نداره و کشورهای قدرتمند که مشخصا فقط دنبال منافع خودشون هستند میان و پشت این شعار قرار می‌گیرند. به عنوان چپ به نظر من این یک تلنگر بزرگ هست برای ما که اندیشه کنیم که محتوای این شعار چه نفعی به حال اون‌ها می‌تونه داشته باشه که سردمداران بزرگ و کوچیکشون از اون حمایت می‌کنند و اون مراسم‌های بی خود و مسخره گیس بریدن و امثال اون رو راه می‌اندازند. و همینطور رسانه‌های وابسته به کشورهای قدرتمند هم پشت این شعار قرار گرفتند خب هدف اون‌ها اینه که مبارزات آزادی خواهانه و سرنگونی طلبانه مردم ما رو به هرز ببرند و هدفش رو نابود کنند.

ما به عنوان انسان‌های چپ یا کمونیست یا سوسیالیست خیلی غم انگیزه که بدون تفکر و تحلیل پشت شعار قرار بگیریم که دشمن طبقاتی ما هم از اون حمایت می‌کنه و تکرارش می‌کنه.

با یک نقل قول از مارکس که تاریخ کلیه جامعه‌هایی که تاکنون وجود داشته تاریخ مبارزه طبقاتی ست سختم رو تمام می‌کنم و تاکید می‌کنم که تنها زمانی که دشمن اصلی شناخته بشه، مبارزه برای رسیدن به حقوق انسانی شکل درست خود رو پیدا می‌کنه و منجر به نتیجه گیری درست می‌شه. با تاکید بر این واقعیت که آزادی زن در گرو آزادی جامعه می‌باشد.